فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۲۶ - ۹۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۳۰۵

تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

علی محسنی[۱]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسئول)
مهدی جاودانی مقدم[۲]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم
محسن حاجی[۳]
دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۶ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

قدرت و امنیت، کلیدی ترین مفاهیم روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند بااین وجود، این دو مفهوم را می توان پیچیده ترین مفاهیم این دیسیپلین علمی نیز به حساب آورد. این مساله بویژه در پرتو پویایی سیاست بین الملل و تحول پارادایمیک این علم در عصر جهانی شدن، در هر دو حوزه روشی و ماهوی و ظهور بازیگران متعدد غیر دولتی، وابستگی متقابل اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشورها و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، سبب شده که امروزه با اشکال و ابعاد بسیار متنوع و متکثری از قدرت و امنیت و رویکردهای متفاوت در توضیح و تبیین آن مواجه باشیم. بر این اساس، علی رغم سلطه هژمونیک رهیافت رئالیسم در روابط بین الملل، تعریف قدرت و امنیت به عنوان توانمندی معطوف به زور مورد انتقاد و واسازی مفهومی قرار گرفته است. در این راستا مفاهیمی چون قدرت نرم، قدرت هوشمند، امنیت نرم، هسته امنیتی، دفاع هوشمند و... مطرح شده است. باتوجه به این مساله، هدف اصلی پژوهش حاضر، بازخوانی تحول پارادایمیک قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن سیاست و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. در این مقاله تلاش شده تا به این سوال پاسخ داده شود که مهم ترین تاثیرات تحول مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن بر امنیت ملی ایران کدامند؟ یافته های این پژوهش که با روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته نشان می دهد که تحول ماهوی قدرت، امنیت و تهدید در عصر جهانی شدن از رویکرد سلبی و دولت محور به رویکرد ایجابی، انسانی و فراملی، زمینه شکل گیری چالش‌ها و فرصت‌های نوینی برای امنیت ملی ایران شده که عدم توجه به تحول این مفاهیم و پیگیری راهبردهای امنیت ملی بر مبنای تعاریف سنتی، تأمین کننده منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن نخواهد بود.

واژه‌های کلیدی: قدرت، امنیت، قدرت نرم، قدرت هوشمند، امنیت نرم، تهدیدات نوین امنیتی، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

1. Dr.amohseni@gmail.com
2. javdani@qom-iau.ac.ir
3. m.haji1990@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۱- مقدمه

پدیده قدرت، از زمان های بسیار دور در بین اندیشمندان و متفکران سیاسی، اهمیت بالایی داشته است به گونه ای که مفهوم امنیت همواره به عنوان متغیر وابسته به آن در نظر گرفته شده است. در واقع، مفهوم قدرت از چنان اهمیتی برخوردار بوده که به عقیده برخی محققان سیاسی، علم سیاست، علم کسب و حفظ قدرت سیاسی است. هانس مورگنتا[1] سیاست در میان ملت ها را مبارزه ای در راه قدرت می داند و معتقد است شناخت درست مبارزه برای قدرت، کلید فهم مسائل سیاسی است (عالم، ۱۳۸٦: ۸۸).

به رغم اهمیت زیاد و توجه نظریه پردازان علوم سیاسی و روابط بین الملل به مفهوم قدرت، در مورد تعریف آن چندان توافقی وجود ندارد. در همین راستا دبلیوگالی گفته است: «قدرت مفهومی مورد منازعه است. قدرت در شکل های مختلفی اعمال می شود و جلوه‌های متنوعی دارد. بنابراین، تعریف و درک یکسانی از آن وجود ندارد» (وحیدی، ۱۳۸٦: ٦۹۹). رابرت دال[2] نیز در این رابطه گفته است: «واقعیت نخستین و مهمی که باید دربارهٔ قدرت دانست این است که نه در زبان روزمره و نه در علم سیاست توافقی دربارهٔ دانشواژه‌ها و تعریف های قدرت وجود ندارد». واژه قدرت گاهی با «اقتدار»، «نفوذ»، «زور»، «اجبار» یا «ترغیب» مترادف دانسته می شود (دال، ۱۳۷٤: ۲۳).

ظهور و گسترش شبکه های اطلاعاتی، الکترونیکی و رسانه ای، تراکم زمان و مکان و به عبارت دقیق تر امواج جهانی شدن، نشانگر شروع دوران جدید و پیچیده تری در روابط بین‌الملل است. فناوری های نوین اطلاعاتی ـ ارتباطی، که از اوایل دهه ۹۰ در مقیاس جهانی گسترش یافتند، موجب شتاب تغییرات نهادی، افزایش تعاملات بین المللی و تغییر مفاهیم اصلی علوم سیاسی و روابط بین الملل از جمله قدرت شده اند.

به طور کلی و در یک تقسیم بندی می توان نظریه های نوین مربوط به قدرت را به دو گروه تقسیم کرد. گروهی که به تحول در «ماهیت قدرت» معتقدند و گروه دیگر که به تحول در «ابزار قدرت» معتقدند. به عنوان مثال مدلسکی معتقد است که تحول اساسی در ماهیت قدرت ایجاد شده است، به نحوی که عامل تأثیرگذاری آن از ابتدا به انتها منتقل شده است و در نتیجه به جای تأکید بر ابزارهای عینی، به هدایت به سوی هدف نهایی توجه می شود.

1. Hans Morgenthau
2. Robert Dahl

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

گروه دوم کسانی هستند که بر این تحول غایت ها به لحاظ معرفت شناختی توجهی ندارند، بلکه صرفاً به تحول در ابزار قدرت پرداخته اند. مثلاً هلندر و ژولین بیان می کنند که تحول در ابزار قدرت از نفوذ اعتقادی آغاز و پس از گذر اجبار و پاداش به تخصص و نهایتاً به حقانیت می رسد (بشریه، ۱۳۷۲: ۱۱۵). علاوه بر مباحث نظری، در عرصه عمل نیز وجود تحولات بنیادین در پدیده قدرت، قابل رؤیت است. در صحنه داخلی و با گسترش امواج دموکراسی خواهی ناشی از فرآیند جهانی شدن[1]، به طور فزاینده ای شاهد ناکارآمد شدن ابزار سرکوب از سوی دولت ها هستیم. در عرصه خارجی نیز، به کارگیری گسترده تحریم های بین المللی به ویژه در شکل اقتصادی و کمک و وام های خارجی در پیشبرد سیاست خارجی کشورها نقش اساسی داشته است. (عاملی، ۱۳۸۹: ۱۵)

از سوی دیگر، مفهوم امنیت نیز از دیگر مفاهیمی است که در سایه قدرت مورد توجه قرار گرفته است. امنیت نیز همچون قدرت، با تحولی معنایی در پرتو تحولات جهانی شدن مواجه شده و با رویکردی سلبی به معنای فقدان تهدید، تک ساحتی و مضیق، به سمت رویکردی ایجابی، چند بعدی و موسع متحول شده است. در این زمینه، موضوع، مرجع و ابعاد امنیت دستخوش تغییر شده است.

در این پژوهش ضمن تعریف مفاهیم قدرت، امنیت، تهدید و تأثیر فرآیند جهانی شدن بر تحول این مفاهیم، سعی می شود به تأثیر این تحول مفاهیم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

۲- ترمینولوژی قدرت در روابط بین الملل

از قدرت تعاریف متعددی ارائه شده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم. در دیکشنری وبستر قدرت معادل و مترادف مفاهیمی چون کنترل، اقتدار، فرمان، تسلط، اختیار قانونی و توانایی قضاوت به کار گرفته شده است (Gove, 1986: 1778-9). دیکشنری آکسفورد نیز قدرت را اینگونه تعریف می کند: «توانایی انسان برای انجام کاری یا عملی؛ کنترل بر روی دیگران، توانایی فرد، گروه، کشور و یا دولتی برای نفوذ و اثرگذاری زیاد» (cowie, 1989: 970).

ماکس وبر نیز قدرت را «امکان تحمیل اراده یک فرد بر رفتار دیگران» تعریف می کند.

1. Globalization

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

طبق این تعریف، فرد یا گروهی از افراد، اراده یا مقاصد خود را بر دیگران و از جمله کسانی که ناراضی یا مخالف اند تحمیل می کنند. هر اندازه توانایی این اراده و حصول به مقصود مورد نظر بیشتر باشد، قدرت هم بیشتر است (گالبرایت، ۱۳۷۱: ۸).

به طور کلی و با توجه به تعاریف فوق می توان گفت که قدرت، پدیده ای وابسته به طبیعت انسانی است و در قالب روابط اجتماعی افراد به صورت بارز و معمولی چهره خود را می نماید. لذا قدرت در همه جوامع وجود دارد، به گونه ای که یکی از وجوه مشخصه روابط اجتماعی، روابط اقتداری بین انسان هاست. در روند شکل گیری قدرت، باید دو عامل باشد: یکی سلطه و دیگری صلاحیت. در واقع، قدرت ترکیبی از این دو عامل است و تقریباً هیچ قدرتی را نمی توان یافت که در صدد تسلط نباشد. از سویی، صلاحیت نیز برای استقرار و قوام قدرت، لازم به نظر می رسد. عامل صلاحیت از یک طرف موجب اطاعت شده و از سوی دیگر حکمرانان را وادار می کند تا اعمال قدرت خود را بر اساس مقررات و موازین دنبال نمایند (عیوضی، ۱۳۸۲: ۱۷).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷

۳- برداشت سنتی از قدرت

برداشت سنتی غالب از قدرت، مبتنی بر مکتب واقع گرایی است که به تحلیل قدرت بر اساس «قدرت عناصر ملی»[1] می پردازد و میزان قدرت کشورها را بر حسب عواملی چون جمعیت، سرزمین، توان اقتصادی، نیروی نظامی و قدرت دریایی محاسبه می کند. توجه بیش از اندازه این برداشت بر نیروی نظامی، عوامل عینی و کمی قدرت سبب شده، مطالعه قدرت در تئوری های سنتی و حتی در برخی مطالعات معاصر، به عنوان مطالعه توانایی برای شروع جنگ تعریف بشود. این درک محدود سبب می شود تا دیگر ابعاد قدرت نادیده گرفته شده یا به آن اهمیت کمتری داده شود (وحیدی، ۱۳۸٦: ٦۹۹). شیوه نگاه به قدرت به شکل سنتی، شیوه ناکارآمدی است، چرا که قدرت را مفهومی کلی می داند که در همه عناصر قدرت با هم ترکیب شده و یک شاخص کلی پدید می آورد و نمی تواند دگرگونی های ناشی از سیاست جدید جهانی را پوشش دهد. درواقع، سنت گرایانی که به قدرت مادی توجه دارند، به دیگر اشکال غیرمادی قدرت توجهی ندارند؛ اشکالی که ممکن است در زمینه موضوعات مختلف

1. Elements of national power

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

قابل تعریف و حتی جایگزینی با منابع سخت قدرت باشد و بنابراین اشکال مادی قدرت را تکمیل کنند. (رینولد، ۱۳۸۹: ۵۲ ـ ۵۳) بر اساس آنچه بیان شد در برداشت سنتی از قدرت، صرفا بر قدرت سخت به معنای توان اجبار با توسل به اقدامات، ابزارها و تصمیمات آشکار و مستقیم تاکید می گردد و مبانی نگرش واقع گرایی نیز به عنوان مهم ترین منبع فکری قدرت سخت به حساب می آید. در این دیدگاه، بی اعتمادی بین بازیگران و به طور کلی شرور و آزمند دانستن انسان ها و دولت ها یک اصل حیاتی است. بر اساس بی اعتمادی، توسل به ابزارهای عینی، مستقیم و در دسترس امر ضروری است، چرا که به ابزارهای غیرمستقیم و ناملموس قدرت، اعتمادی وجود ندارد.

در کنار برداشت واقع گرایان از قدرت می توان به دیدگاه آرمان گرایانه نیز اشاره کرد. گروهی که به الهه ها و فضایل قدرت می پردازند. آرمان گرایان قدرت را سرچشمه خیر و سعادت بشر می دانند و یک دید آرمانی نسبت به قدرت دارند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۴- برداشت نوین از قدرت

به تدریج از اواخر قرن بیستم، رویکرد «قدرت رابطه ای» رهیافت قبلی را با چالش مواجه کرد. قدرت رابطه ای به عنوان نوعی علیت توضیح داده می شود که در آن، رفتار بازیگر «الف» موجب تغییر در رفتار بازیگر «ب» می شود. تغییر رویکرد از مفهوم قدرت، به عنوان منابع مادی، به قدرت به عنوان نوعی رابطه، موجب تحول در تحلیل های قدرت شد. در این شیوه برخی محققان معتقدند که قدرت را باید رابطه بالقوه و بالفعل میان عوامل دانست و نه دارایی آنان. هر چندکه برخی با این نوع تفکر مخالفت کرده اند. جوزف نای[1] می گوید: گواه قدرت در منابع نیست، بلکه در رفتار تغییر یافته ملت هاست. (قربانی شیخ نشین، ۱۳۹۰: ۱۲۹)

جیمز روزنا[2] نیز به شکلی مشابه تأکید می کند که شیوه «قدرت به مثابه منبع» نمی تواند راه حلی برای معماهای تجربی باشد. با توجه به نظر لاسول[3] و کاپلان[4] که برای اولین بار قضیه «قدرت رابطه ای» را مطرح کرده اند، روزنا می گوید که داشتن منابع، تنها یک جنبه از قدرت

1. Joseph Nye
2. James Rosenau
3. Lasswel
4. Kaplan

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

است و قدرت یک کشور، تنها تا زمانی دارایی ارزشمندی است که عوامل دیگر بدان پاسخ دهند. بنابراین توجه به قابلیت ها و توان مادی یک کشور که دارای نقش است، شرط لازم است ولی کافی نیست. آنچه به همین اندازه اهمیت دارد، تبدیل این سرمایه و منابع در فرآیندها و نفوذ و تأثیر حقیقی بر نتایج و فاکتورهای مهمی است که نتایجی را به وجود می آورد که بر اساس توزیع شاخص های سنتی قدرت، پیش بینی های غلطی خواهد داشت. از این رو به منظور درک نتایج سیاسی، توجه به فرآیندها ارتباطی حائز اهمیت است که در آن، منابع قدرت همان آثار مثبت بر نتایج است. بنابراین می توان منابع را یکی از ویژگی های ساختاری دانست، در حالی که قدرت، ماهیتی پویاتر و پروسه ای دارد (رینولد، ۱۳۸۹: ٥٤ ـ ٥٥).

موضوع این نیست که قدرت به چه میزانی است و قدرت دولت برای حل یک مشکل چقدر است؛ بلکه موضوع این است که از قدرت موجود به شکل مناسب و مطابق با موضوع و شرایط جدید استفاده شود. در واقع، مفاهیم قدرت تنها زمانی مفیدند که برای شرایطی که دقیقاً تعیین شده اند، به کار روند (قربانی شیخ نشین، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

۵- تأثیر جهانی شدن سیاست بر قدرت

جهانی شدن و انقلاب اطلاعات و ارتباطات، اهمیت شبکه ها را افزایش و زمینه قدرت را تغییر می دهند. شبکه ها همان روابط هستند و گونه های متفاوت شبکه ها، شکل های متفاوتی از قدرت را ایجاد می کنند. دانش، قدرت است. در عصر اطلاعات امروز کنترل اطلاعات جاری در شبکه ها یک منبع مهم قدرت است و مرکزیت در شبکه ها می تواند ایجاد قدرت کند. اطلاعات و دانش، خود منبع مهمی برای اعمال قدرت به شمار می رود. از این رو مهم است که بدانیم امروزه فناوری، فرآیندهای اجتماعی و سیاسی را تغییر داده و موجب سرعت و دگرگونی در ماهیت تعامل و ارتباطات و شتاب تغییرات نهادی در عرصه بین المللی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شده است. بنابر این در عصر جهانی شدن، موفقیت در مدیریت این شبکه های عمومی و خصوصی، به استعداد، هوش محیطی و اشکال نوین قدرت وابسته است (نای ۱۳۸۷: ۳۱۵ ـ ۳۳۰). قرن بیست و یکم به طور قطع، شاهد افزایش نقش اطلاعاتی و سازمانی قدرت خواهد بود. بزرگی اندازه اقتصاد، هم در ارتباط بازارها و هم منابع طبیعی، همچنان اهمیت خواهد داشت، حجم اطلاعات در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

دسترس، افزایش بیشتری پیدا خواهد کرد و نیروی نظامی همچنان به عنوان عاملی در کنار سایر عوامل باقی خواهد ماند. اما در این میان، توانایی سازمانی برای واکنش سریع و نرمش پذیر، به منبعی عمده و مهم برای قدرت تبدیل خواهد شد (لنون، ۱۳۸۸: ۵۷ ـ ۶۰).به طور کلی باید بیان کردکه قدرت همواره به شرایط وابسته است. قرن حاضر شاهد دو جابه جایی بزرگ در قدرت بوده است: جا به جایی قدرت میان کشورها و پراکندگی قدرت کشورها میان بازیگرانی سوای کشورها و حکومت ها (نای، ۱۳۹۳: ۱۷). بنابراین می توان تأثیر جهانی شدن بر تحول مفهوم قدرت را در چهار مؤلفه بررسی کرد که عبارتند از:

۱-۵- پراکندگی قدرت

در عصر جهانی شدن قدرت به تدریج از انحصار دولت و نهادهای رسمی خارج شده و در اختیار شرکت های ملی و فراملی و سایر نهادهای غیرحکومتی نیز قرار می گیرد. در این زمینه می توان به ایالات متحده آمریکا اشاره کرد که در آن قدرت سیاسی به طور روزافزونی از ساختارهای رسمی سیاست به دست مردم عادی و رسانه ها افتاده است که به طریق الکترونیکی به یکدیگر مرتبط اند. پراکندگی یا عدم تمرکز قدرت مورد توجه اندیشمندان پست مدرنی چون میشل فوکو نیز قرار دارد. فوکو از ذره گونه شدن قدرت در عصر پست مدرن سخن می گوید، بدین معنا که مرکزیت قدرت از میان رفته و قدرت جنبه فردی پیدا می کند (تافلر، ۱۳۷۵: ۳۷۸). یکی دیگر از جنبه های پراکندگی قدرت، شورش های نژادی و قوم پرستانه است که مبین تمرکززدایی از قدرت است. در این زمینه می توان به فروپاشی اتحاد شوروی اشاره کرد که نشان دهنده از بین رفتن قدرت فوق العاده متمرکز و پدید آمدن جمهوری های کوچک و در نتیجه پراکندگی قدرت می باشد (فدوی بنده قرائی و گرامیان، ۱۳۹۰: ۱۲). بدین ترتیب در عصر حاضر ابزارهای سنتی قدرت، عموماً در رویارویی با مسائل جدید جهانی، کارایی پیشین را ندارند و در ترکیب با عناصر جدید و سایر ابعاد قدرت می توانند اثر گذار باشند.

۲-۵- چهره جدید قدرت

در ارتباط با قدرت چیزی وجود دارد که گاه از آن با عنوان «چهره دوم قدرت»[1] یاد می شود. این بعد دیگر قدرت را می توان «قدرت غیرمستقیم» یا «رفتار جذب کننده قدرت»[2]

1. the second face of power
2. co –ptive power behavior

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نامید. این قدرت می تواند بر مبنای گیرایی ایده های یک کشور یا توانایی آن در تنظیم دستور کار سیاست جهان به گونه ای باشد که در ترجیحات دیگر کشورها اثر گذاشته و آنها را شکل دهد.توانایی در تأثیرگذاری بر آنچه دیگر دولت ها طلب می کنند، معمولاً با منابع غیرملموس قدرت همچون فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها همراه است. قدرت جذب کننده، به همان اندازه قدرت اجباری، اهمیت دارد. در صورتی که یک کشور کاری کند که قدرتش در چشم دیگران مشروع جلوه نماید، در مسیر پیگیری خواست هایش با ایستادگی کمتری رو به رو خواهد شد و در این حالت به بهره گیری از قدرت اجبارآمیز یا قدرت سخت که پرهزینه است، نیاز کمتری خواهد کرد (نای، ۱۳۸۷: ۱۰۰ ـ ۱۰۱).

۳-۵- تغییر در منابع سنتی قدرت

در گذشته سیاستمداران و رهبران، قدرت را در چارچوب مؤلفه هایی چون میزان جمعیت، وسعت سرزمین، منابع طبیعی، وضعیت و ظرفیت اقتصاد، ثبات سیاسی، حجم نیروها و سخت افزارهای نظامی و نیروی دریایی تعریف می کردند. با این وجود در عصر حاضر منابع قدرت عموماً در حال تغییر و تحول اند. به گونه ای که امروز بر جنبه های سخت قدرت به عنوان منبع، تأکید کمتری صورت می گیرد. در این راستا فناوری های آموزشی، اطلاعاتی و ارتباطی، رشد توان اقتصادی اهمیت بیشتری یافته اند و در عین حال از اهمیت جغرافیا، جمعیت و مواد خام کاسته شده است (شارپ، ۱۳۸۹: ٦٤). در این زمینه ، برخی از اندیشمندان روابط بین الملل مانند بالدوین معتقدند بر قدرت نظامی بیش از حد تاکید شده و در مورد اهمیت آن اغراق شده است . به اعتقاد وی، اهمیت عناصر غیرنظامی قدرت در گذشته، نادیده انگاشته شده است. (Baldwin, 2012: 15)

در این شرایط، جهانی شدن سیاست و به تبع آن تغییرات در مسائل سیاسی، تأثیرات قابل توجهی بر منابع سنتی ایجاد کننده قدرت داشته است. با توجه به تغییرات در عرصه سیاست جهانی، مشاهده می شود که توسل به قدرت در میان کشورهای بزرگ، سررشت اجبارآمیزی کمتری یافته است. منابع جدید قدرت همچون توانایی ایجاد ارتباطات مؤثر و ایجاد بهره گیری از نهادهای چند جانبه، احتمالاً نقش مهم تری در این میان ایفا خواهند کرد. هر چند منابع سنتی قدرت همچون کمک اقتصادی و نیروی نظامی، قادرند به حل مسائل جهانی شدن همچون تروریسم، تکثیر سلاح و... کمک کنند، اما با این حال توانایی هر قدرت بزرگ در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

کنترل محیط پیرامونی و دستیابی به اهدافش، چندان بالا نیست و نشانه های مربوط به قدرت از نوع سخت، اغلب در تحقق این اهداف کارایی چندانی ندارد. قدرت جذب کنندگی، می تواند بر مبنای گیرایی ایده های یک کشور یا توانایی آن در تنظیم دستور کار سیاست جهان به گونه ای باشد که در ترجیحات دیگر کشورها اثر بگذارد و آن ها را شکل بدهد. توانایی در رسمیت بخشیدن به ترجیحات، با منابع غیرملموس قدرت همچون فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها مرتبط است. این بُعد را می توان با عنوان قدرت نرم در نظر گرفت که در نقطه مقابل قدرت سخت و تحکم آمیز قرار دارد (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۰ ـ ۱۳۲). در این زمینه ، جوزف نای به عنوان مبدع مفهوم قدرت نرم، معتقد است که قدرت نرم روشی است برای رسیدن به نتایج دلخواه بدون تهدید و تشویق آشکار و محسوس)نای، ۱۳۸۹: ٤٧) وی سه منبع اصلی را برای منابع قدرت نرم کشورها ذکر می کند که عبارتند از: فرهنگ، ارز شهای سیاسی و مطلوبیت های سیاست خارجی (نای، ۱۳۸۹: ۵۱) این سه منبع غیر مادی و نامحسوس در مقابل منابع مادی و محسوس قدرت سخت از جمله ابزار و ادوات نظامی قرار می گیرند(فتاحی و دیگران، ۱۳۹۷: ٣٤) بنابراین می توان نتیجه گرفت، منابع قدرت هیچ گاه، حالتی ایستا ندارند و در دنیای امروز قدرت و منابع آن وابسته به شرایط موجود است.

٤-۵- تغییر و جا به جایی در ابزار قدرت

قرن بیست و یکم، شاهد استمرار تفوق قدرت مبتنی بر دانش و اطلاعات خواهد بود. در این زمینه آلوین تافلر[1] معتقد است: در عصرهای گذشته، به ترتیب زور و ثروت ابزار اصلی دسترسی به قدرت بوده اند، ولی در حال حاضر، دانایی، برترین و مهم ترین ابزار قدرت است و همین مفهوم جا به جایی است که تحولات جهان معاصر را در بر می گیرد. شکل جدید جا به جایی در قدرت سیاسی، لوازم، مقتضیات و شرایط خاص خود را دارد. این جا به جایی نیز همچون قدرت اقتصادی تحت تأثیر شدید دانایی قرار دارد و میزان دانایی در جا به جایی قدرت سیاسی دولت نقش بسزایی دارد. در گذشته زور و ثروت نقش زیادی در تغییر قدرت داشت، ولی با ظهور دانایی در عرصه زندگی، جا به جایی در قدرت سیاسی نیز دچار دگرگونی شد (تافلر، ۱۳۷۰: ۱۱٤).بر اساس آنچه بیان شد، جهانی شدن و پیامدهای آن موجب شده تا برداشت سنتی از قدرت با محدودیت مواجه شود و زمینه برای برداشت نوین از قدرت فراهم

1. Alvin Toffler

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

شود. تأثیر انقلاب ارتباطات، ظهور رسانه ها و شبکه های هوشمند ارتباطی، افزایش نقش بازیگران غیردولتی و... لوازم گذار از قدرت سخت به قدرت نرم را فراهم آورده است.

۵-۵- قدرت نرم[1]

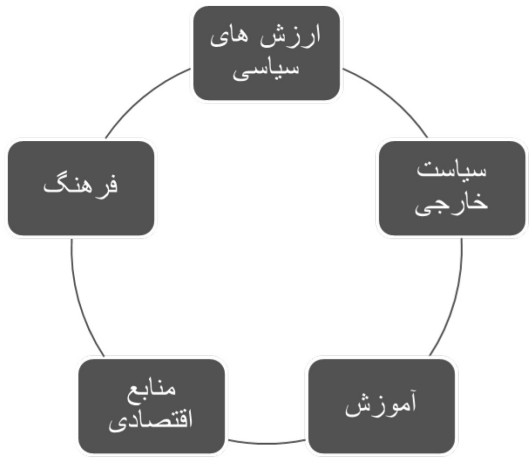
قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار و تطمیع است. ایده جذب به عنوان نوعی از قدرت به فیلسوفان چین باستان از جمله لائوتسه در قرن هفتم قبل از میلاد برمی گردد. تغییر رهیافت قدرت ها از گفتمان سخت افزاری به گفتمان نرم افزاری را باید ناشی از شکل و ماهیت تحولات عرصه نظام بین الملل پس از دوران جنگ سرد[2] و تشدید امواج جهانی شدن دانست. به تعبیر باری بوزان[3] تأثیر بزرگ پایان جنگ سرد بر دولت های غربی و همراهان نزدیک آن ها در هسته اقتصاد سیاسی جهانی، حرکت سریع و احتمالاً طولانی مدت از دغدغه های عمیق امنیت نظامی به مجموعه ای از دغدغه های امنیتی غالباً غیرنظامی که به مراتب گسترده تر، پراکنده تر و ناشناخته تر بودند (باری و ویور، ۱۳۸۸: ۲۹). مفهوم قدرت نرم گفتمانی تازه را شکل می دهد که در قالب آن نظریه قدرت، منابع و ابزارهای قدرت بازخوانی و بازتولید می شود و در نتیجه چهره ای تازه از قدرت ارائه می گردد (نای، ۱۳۸۷: ۷). این مفهوم را اولین بار جوزف نای در سال ۱۹۹۰ در کتابی با نام «تغییر ماهیت قدرت آمریکایی» مطرح و آن را در کتاب «قدرت نرم: راه موفقیت در سیاست های جهانی» بسط داد.

از دیدگاه روزنا، قدرت نرم هر کشور تا حد زیاد ریشه در سه منبع بنیادین دارد: فرهنگ، ارزش های سیاسی و سیاست خارجی. شرایط محیطی در نحوهٔ تبدیل منابع بالقوه قدرت نرم به رفتارگیرا و اثرگذار بر دیگران، در راستای حصول نتایج دلخواه، نقش کلیدی دارند. در حوزه قدرت نرم ذهنیت اهداف اهمیتی خاص دارد. اما باید بیان کرد که فرهنگ ها، ارزش ها و سیاست ها تنها منابع قدرت نرم نیستند. منابع اقتصادی نیز می توانند زاینده رفتارهای قدرت مدار از گونه سخت و نرم باشند. در عمل دشوار می توان تشخیص داد که در کدام بخش از مناسبات اقتصادی قدرت سخت و در چه بخشی از آن ها قدرت نرم نهفته است. علاوه بر این، منابع نظامی نیز گاه می تواند در قدرت نرم مؤثر باشد.ارتشی با سامان و نظمی

1. soft power
2. cold war
3. Barry Buzan

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مناسب، خود می تواند منشأ گیرایی باشد. همکاری میان ارتش ها و بسط برنامه های آموزش نظامی با ایجاد شبکه های فراملیتی، قدرت نرم کشورها را تقویت می کنند. همچنین حاصل استفاده نادرست از منابع نظامی می تواند رنگ باختن قدرت نرم باشد. (نای، ۱۳۹۰، ۱۲۳ ـ ۱۲۶) لذا ابزارهای قدرت نرم می توانند شامل موارد متعددی باشند اما عمدتا بر دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی، و همکاری و کمک مالیتاکید می گردد. در این میان، برخی در قدرت نرم توانایی ها را ملاک قرار می دهند و برخی دیگر نتیجه رفتار را مهمترین عامل می دانند. (التیامی نیا و تقوایی نیا، ۱۳۹۵: ۱۷٤–۱۷۵) مک کلوری با توجه به این مساله، منابع قدرت نرم را بر پایه ۵ منبع، ارزش های سیاسی (حکومت)، فرهنگ، سیاست خارجی، منابع اقتصادی و آموزش تقسیم بندی کرد. (McClory, 2011: 10)



منابع قدرت نرم از دیدگاه مک کلوری

هر چند که مفهوم قدرت تحت تأثیر امواج جهانی شدن دچار تغییر و تحول شده است، با این حال نباید از محدودیت های قدرت نرم در اعمال قدرت غافل شد، چرا که قدرت نرم از آنجا که مبتنی بر حوزه های غیررسمی سیاست است، در کاربرد و اجرا ممکن است با محدودیت هایی مواجه شود. (Raimzhanova,2015: 5-8) به کارگیری این نوع قدرت دشوارتر است، زیرا بسیاری از منابع مهم قدرت نرم خارج از کنترل حکومت ها هستند و اثرگذاری آن ها به شدت بستگی به پذیرش مخاطبان دارد. به علاوه منابع قدرت نرم اغلب به طور غیرمستقیم و برای شکل دادن به محیط، به جهت پذیرش سیاست ها عمل می کنند

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

و گاه سال ها به طول می انجامد که نتیج دلخواه را به دست دهند، چرا که هم پراکنده تر و دیر بازده تر از منابع قدرت سخت هستند و هم به کارگیری آن طاقت فرساتر است. از سوی دیگر سیاست شناسان و تصمیم گیران سیاست خارجی معتقدند که تکیه بر افکار عمومی، محبوبیت، نظرسنجی و... دارای تأثیری زودگذر است و به هیچ وجه نباید در سیاست خارجی نقش تعیین کننده ای داشته باشد(نای، ۱۳۸۷: ۱۸۳ ـ ۱۸٤)ضعف ها و محدودیت های قدرت سخت و قدرت نرم، ضرورت ترکیب این دو نوع قدرت را ایجاد کرده و زمینه ورود به مفهوم جدیدی از قدرت، یعنی قدرت هوشمند[1] را در عصر جهانی شدن ایجاد می کند.

٦-٥- قدرت هوشمند

قدرت به معنای امکان تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور دستیابی به نتیجه مطلوب است و نه لزوماً قدرت نظامی. کارایی هر منبع قدرت در درجه اول به شرایط زمانی و مکانی بستگی دارد، و نکته مهم تر اینکه منابع قدرت در طول زمان تغییر می کنند. تعریف امروزی قدرت عبارتست از: توانایی همسو کردن افراد با خودمان، بدون توسل به اقدامات نظامی. ضمن اینکه مشروعیت می تواند مخالفت ها و هزینه های به کارگیری قدرت سخت را در صورت لزوم کاهش دهد (اطاعت و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۳۷). همانطور که بیان شد قدرت هوشمند راه حلی برای پاسخگویی به محدودیت ها و ناکامی های قدرت سخت و نرم است. مفهوم قدرت هوشمند را اولین بار سوزان ناسل[2] به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات به کار برد. وی معتقد بود: منابع اجباری[3] و اقناعی[4] شامل توانایی ها و برتری های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند تا برایند آن تداوم برتری یک کشور را تضمین کند. از سوی دیگر جوزف نای نیز در سال ۲۰۰۳ مفهوم قدرت هوشمند را در برابر این باور اشتباه که قدرت نرم به تنهایی می تواند راهنمای سیاست خارجی باشد، مطرح کرد. (قربانی شیخ نشین، ۱۳۹۰: ۱۳۹)

در سال ۲۰۰۷، جوزف نای به همراه ریچارد آرمیتاژ[5]، معاون وزارت خارجه آمریکا در دوره اول ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش، هدایت کمیسیونی دو حزبی را در مرکز

1. Smart power
2. Suzanne Nossel
3. coercive
4. convincing
5. Richard Armitage

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مطالعات استراتژیک و بین المللی بر عهده داشت، که هدف تشکیل آن تحقیق و بررسی در زمینه شناساندن مفهوم قدرت هوشمند بود. نای و آرمیتاژ در گزارش خود دراین مرکز، به اهمیت و ضرورت به کارگیری این نوع قدرت تأکیدکردند. در این گزارش، قدرت هوشمند به معنای توسعه استراتژی منسجم، پایگاه منابع و جعبه ابزاری برای دستیابی به اهداف است که شامل قدرت سخت و قدرت نرم می شود. همچنین نای در کتاب «قدرت های رهبری»[1] بر همراه بودن قدرت سخت و نرم با یکدیگر به عنوان مکمل تأکید دارد. به نظر او، رهبران موفق در آینده افرادی هستند که توانایی به کارگیری دو قدرت را به صورت هوشمند داشته باشند (واعظی و احدی، ۱۳۸۹: ٤٦.(قدرت هوشمند بیش از آنکه به میزان منابع قدرت سخت و نرم کشورها توجه داشته باشد به توانایی و مهارت تبدیل و ترکیب قدرت سخت و نرم در اختیار دولت ها توجه دارد. به این ترتیب جست و جوی قدرت هوشمند در کشورها با وسعت و جمعیت اندک نیز میسر و قابل بررسی است.

با توجه به آنچه تا کنون بیان شد، مفهوم قدرت تحت تاثیر جهانی شدن سیاست، متحول شده و در ابعاد و معانی متعدد نوینی مطرح شده است. این مساله سبب شده تا سایر مفاهیم مرتبط مانند امنیت نیز تحت تاثیر جهانی شدن به عنوان یک فرآیند عام و همه جانبه، با تحول معنایی روبرو شوند. لذا به دلیل وجود دامنهٔ مشترک بین مفهوم امنیت و مفهوم قدرت، بررسی تحول مفهوم امنیت نیز، در این پژوهش ضروری به نظر می رسد.



1. the powers of lead

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۶- امنیت[1] و امنیت ملی در روابط بین الملل[2]

امنیت در زمره دیرینه ترین آرزوهای بشر بوده و یکی از ابزار و شروط بهزیستی و بهروزی وی به شمار آمده است. امنیت و امنیت ملی از جمله مفاهیمی هستند که پس از پیدایش دولت های ملی رایج شده اند. هر چند که استفاده از این واژگان در ادبیات سیاسی همواره متداول بوده است اما منجر به تعریف واحد و مشخصی نگردیده است. بسیاری از پژوهشگران، امنیت ملی را «توانایی یک کشور در حفظ ارزش های حیاتی در برابر تهدیدهای خارجی» می دانند. به تعبیری امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانگان در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانگان گام بردارد. حفاظت یک ملت در مقابل انواع تجاوزات خارجی، جاسوسی، عملیات شناسایی، خرابکاری و... تعریف دیگری است که از امنیت ملی شده است. مفهوم امنیت برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشور از طریق افزایش توان نظامی است (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱٤۲). به طور کلی تا دهه ۱۹۸۰، دو نحوه برداشت بر همه تفکرات مربوط به مسأله امنیت ملی حاکم بود. بر اساس واقع گرایی، بین عرصه داخلی و خارجی تفاوت وجود دارد که ناشی از وجود حاکمیت در داخل کشورها و فقدان آن در عرصه بین المللی است. حاکمیت همان قدرت برتر است که در اختیار حکومت قرار دارد تا به برقراری امنیت در جامعه بپردازد و مانع تجاوز کشورهای دیگر به کشور خود شود. بر اساس این دیدگاه قدرت و امنیت نقش محوری در سیاست داخلی و خارجی ایفا می کند و هدف دولت تأمین آن هاست (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱٤٤). برداشت دیگر از امنیت مربوط به دیدگاه لبرال بود. لیبرال ها تمایل داشتند که امنیت را حاصل صلح بدانند یعنی اعتقاد به این که صلح پایدار باعث تأمین امنیت همه خواهد شد. به نظر آنان از آن جا که جنگ مهم ترین تهدید ناشی از مسأله امنیت ملی است، یافتن راه حلی برای آن به طور بنیادین، باعث حذف ناامنی از صحنه بین المللی می شود. از این رو سیاست های صلح، کنترل تسلیحات و خلع سلاح و همکاری بین المللی، انعکاسی از مطالب مطرح شده در فاصله بین دو جنگ جهانی بود که در سایه تهدید نابودی اتمی، آشکارا می توانست

1. security
2. National security

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

منبع الهام بخش تری در تعبیر لیبرالی از مفهوم امنیت تلقی شود (عطارزاده، ۱۳۷۷: ۸٦). هر چند که این دو دیدگاه، روش ها و ابزارهای خاص خود را برای تأمین و حفظ امنیت مطرح می کنند اما وجه مشترک این دو دیدگاه یکسان پنداشتن امنیت دولت و امنیت افراد جامعه است.

در طول جنگ سرد برداشت غالب از قدرت و امنیت مبتنی بر دیدگاه واقع گرایی بود، اما پس از این دوره، بحث های بسیار گسترده ای در محافل دانشگاهی و تصمیم گیری حکومتی به وجود آمد که آیا حفظ امنیت دولت ها (به ویژه غرب) با همان ابزارهای سنتی یعنی استفاده از تجهیزات و نیروی نظامی امکان پذیر است یا باید از روش های جدید که کمتر جنبه نظامی دارد و یا تلفیقی از روش های متعدد بهره برد؟ (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۱٦).

۱-٦- تأثیر جهانی شدن سیاست بر امنیت

پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی و به دنبال آن تشدید پدیده جهانی شدن بر تحول و تغییر بسیاری از مفاهیم علوم سیاسی و روابط بین الملل به ویژه مفهوم و پروسه های امنیتی مؤثر بوده است. جهانی شدن موجب شکل گیری انتقادات بسیار و همچنین مشخص شدن ضعف های تئوری های امنیتی دوران جنگ سرد شد. (Pinar, 2015: 8-9) تغییر و تحول ناشی از جهانی شدن پیرامون مفهوم امنیت در دو حوزه «موضوع امنیت» و «مرجع امنیت» قابل بررسی است. یکی از پرسش های اساسی که تئوری های امنیتی جنگ سرد توان ارائه پاسخ قانع کننده ای برای آن را ندارند این است که «امنیت چه کسی یا چه چیزی» قرار است در مقابل تهدیدات تأمین و تضمین شود؟ پاسخ دیدگاه های امنیتی سنتی به سوال مطرح شده با توجه به سیطره سه دهه ای پارادایم رئالیستی در روابط بین الملل پس از جنگ جهانی دوم کاملاً واضح و روشن است. در برداشت واقع گرایانه از روابط بین الملل (رئالیسم و نئورئالیسم) دولت ها به عنوان اصلی ترین بازیگران بین المللی که همواره گرفتار معمای امنیت/ قدرت هستند تنها موضوع آشکار امنیت در نظر گرفته می شوند که قرار است امنیت آن ها در قبال یکدیگر تأمین گردد. آنچه در برداشت های سنتی از مفاهیم منافع ملی و امنیت ملی مستتر است، یکسان دانستن امنیت شهروندان و امنیت حاکمیت و دولت است و از این رو تهدیدات امنیتی به تهدیداتی که متوجه دولت ها هستند تنزل داده می شوند. (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱٤٤ ـ ۱٤٥)در همین رابطه باری بوزان در کتاب خود تحت عنوان «مردم، دولت ها و هراس» خاطرنشان می سازد که تهدیدهای مطرح سه دسته اند که هر سه علیه دولت ها

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

به وجود می آیند: تهدیداتی که به «اندیشه دولت ـ ملت گرایی» مربوط است، تهدیداتی که «بنیان فیزیکی دولت» (جمیعت، سرزمین و منابع) را هدف می گیرند و تهدیداتی که متوجه نمود نمادین دولت یعنی «نظام سیاسی» هستند (بوزان، ۱۳۸۹: ٦٥).

پس از پایان جنگ سرد و تحت تأثیر پدیده جهانی شدن شاهد تشکیک و تردید در مفاهیم و دیدگاه های سنتی درباره موضوع امنیت هستیم. مطالعات انتقادی امنیت، توجه خود را به جای امنیت دولت دارای حاکمیت به امنیت انسانی[1] معطوف نموده است.در گذشته و پس از قرارداد وستفالیا تا پایان جنگ سرد، بین دولت و امنیت ارتباط بسیار نزدیک و محکمی وجود داشت و امنیت اولین و مهم ترین وظیفه دولت محسوب می شد و وجود امنیت در چارچوب ممانعت از تجاوز افراد به یکدیگر و دیگر کشورها و گروه ها به سرزمین معنا می شد. با گسترش امواج جهانی شدن امنیت انسانی به عنوان مهم ترین موضوع امنیت مطرح می شود. (طباطبایی و فتحی، ۱۳۹۳: ۲۳-۲٤) در رویکردهای جدید امنیتی، امنیت افراد جایگاه بسیار بالاتری دارد. امنیت یکی از حقوق اولیه انسانی ارزیابی می شود که باید به هر طریقی تأمین شود. واحد امنیت دولت ملی نیست. انسان ها دارای ارزش ذاتی هستند. امنیت انسان از کانال دولت ملی عبور نمی کند، بلکه دولت ملی برای تأمین امنیت انسان ها به وجود آمده است. اصل اساسی امنیت برای مردم است. معیار ارزیابی موفقیت دولت در برقراری امنیت برای خود نیست. معیار، میزان موفقیت آن در تأمین امنیت افراد است. در این مفهوم، امنیت در زندگی افراد جامعه بازتاب می یابد نه در حیات دولت. به هر میزان که امنیت برای افراد جامعه بیشتر تأمین شود، دولت موفق تر است.گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹٤، امنیت انسانی را با عنوان «رهایی از ترس و رهایی از نیاز» تعریف می کند (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۷ـ ۱۸).

همانطور که بیان شد علاوه بر موضوع امنیت شاهد تغییر و تحول در مرجع امنیت نیز هستیم. از جمله پرسش های اصلی مطرح در گفتمان امنیتی پس از پایان جنگ سرد که گفتمان سنتی امنیت قادر به ارائه پاسخ به آن نیست این است که «چه نیرو یا نهادی از صلاحیت و قدرت تأمین امنیت شهروندان برخوردار است؟» و «سازو کار تأمین امنیت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی چگونه است؟» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱٤٦)در پاسخ دیدگاه های سنتی به این

1. Human security

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

سوال، دولت به عنوان مرجع اصلی و اولیهٔ تأمین امنیت شهروندان در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی در نظر گرفته می شد که قدرتش تحت تأثیر سنت سیاسی ـ فلسفی کانت، هابز و لاک نمایانگر و شاخصه «قدرت ملی» قلمداد می گردید و شهروندان را در مقابل آشوب داخلی و تهدید خارجی حفاظت و حمایت می کرد. دولت در این سنت فکری که با شکست ایدهٔ جامعه جهانی، وقوع جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد در مرکز توجه تحلیل گران روابط بین الملل قرار گرفت به عنوان عاملی برای کنترل جنگ همه علیه همه و ناامنی دائمی و جلوگیری از بازگشت به وضع طبیعی[1] شناخته شد. مکتب سنتی امنیت تحت تأثیر واقعیت های جنگ سرد قائل به «تأسیسی بودن» امنیت و ضرورت بنیان نهادن آن از طریق راه کارهایی است که ماهیت آن ها «اقتدارآمیز» و به صورت حرکت از بالا به پایین تعریف می شده است. (افتخاری و نصیری، ۱۳۸۳: ٤٠) طرفداران جهانی شدن تحت تأثیر تقویت و تشدید این پدیده پس از پایان جنگ سرد، بیش از پیش بر گسست میان امنیت دولت و جامعه به دو علت عمده تأکید می نمودند: اول اینکه دولت ها دیگر به اندازه گذشته قادر به حمایت و محافظت از شهروندان خود در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی نیستند چرا که ماهیت و سررشت این تهدیدات تغییر اساسی یافته است. دوم اینکه در یک گام جلوتر دولت ها خود به تهدیدی علیه امنیت ذهنی و فیزیکی شهروندان در عصر جهانی شدن مبدل شده است که می بایست توسط یک مرجع فراحکومتی نوین کنترل و هدایت شود. این مسئله در کشورهای جهان سوم به علت وجود رابطهٔ معکوس میان تمرکز قدرت سیاسی و امنیت شهروندان به خوبی قابل مشاهده است(سلیمانی، ۱۳۸۷: ١٤٧). در همین راستا «جان کیان»[2] تأکید می کند در شرایطی فعلی «دولت ها به طور فعلی »ابزارهای خطرناکی برای صلح سازی به شمار می روند.» (هورل، ۱۳۸۰: ۱۲۹) وجود چنین دیدگاهی نسبت به دولت است که موجب شکل گیری نهادهای بین المللی متعدد برای نظارت بر رعایت حقوق بشر در کشورها شده است.

با توجه به این مطالب، دیدگاه های متعدد دیگری نیز در نقد دیدگاه های سنتی امنیت مطرح شده و پژوهشگران روابط بین الملل، زوایای متنوع و متکثری از امنیت را نمایش داده‌اند که جهت اختصار، این دیدگاه ها را می توان در جدول زیر مشاهده کرد:

1. Natural status
2. John Keane

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مکتب انگلیسی	مکتب ولز	مکتب کپنهاک	مکتب پاریس	پسااستعمارگرایی
مرجع امنیت: فرد/دولت	مرجع امنیت: فرد/مردم	مرجع امنیت: دولت/اجتماع	مرجع امنیت: اجتماع سیاسی	مرجع امنیت: فرودستان جنوب
هستی شناسی: امنیت جامعه بین‌الملل	هستی شناسی: امنیت انسانی	هستی شناسی: امنیت دولت	هستی شناسی: امنیت جامعه	هستی شناسی: امنیت حاشیه
معرفت شناسی: تاریخ‌گرا- تفسیری	معرفت شناسی: گفتمانی	معرفت شناسی: تاریخ‌گرا- تفسیری	معرفت شناسی: گفتمانی	معرفت شناسی: انتقادی - فرهنگ محور
روش شناسی: تکثرگرا	روش شناسی: تحلیل انتقادی گفتمان	روش شناسی: امنیتی کردن	روش شناسی: میدانی	روش شناسی: تکثرگرا- بوم نگار

در ادامه پیش از پرداختن به مبحث بعدی، به دلیل آن که امنیت در برابر «تهدید» معنایابی می شود، لازم است نگاهی مختصر به تحولات مفهومی و مصداقی تهدید داشته باشیم.

۲-٦- تهدیدات امنیتی در عصر جهانی شدن سیاست

در عصر جهانی شدن، هم در منابع تهدید و هم در نوع تهدید و هم در ابزارهای مورد استفاده، تحولی شگرف به وجود آمده است. جهانی شدن، تهدیدات و آسیب پذیری های امنیتی متعددی را متوجه کشورها و جوامع انسانی ساخته که در گذشته یا مورد اعتنا قرار نمی گرفتند و یا به سادگی قابل تحقق نبودند (درویشی، ۱۳۸۲: ۳). جیمز روزنا برخی از چالش های اساسی را که در عصر جهانی شدن پیش روی نظام های سیاسی قرار دارد، در شش موضوع کلی: آلودگی محیط زیست، بحران های ارزی، قاچاق مواد مخدر، تروریسم، ایدز و مسأله پناهندگان ذکر کرده و حل هر یک از آن ها را متضمن فرآیندهایی می داند که فراتر از مرزهای ملی هستند و مشارکت شمار بزرگی از شهروندان را می طلبد (روزنا، ۱۳۸۲: ۸۹).

در یک تقسیم بندی دیگر مهم ترین کانون های ناامنی پدیده جهانی شدن را، می توان در سه دسته کلی تقسیم بندی کرد:

۱) کانون های ساختاری: نظیر فروپاشی دولت ـ ملت ها و برهم خوردن نظم حاکم؛

۲) کانون های اجتماعی و روان شناختی، نظیر بروز منازعات تازه از ناحیه برخورد اقلیت‌های نژادی، مذهبی و ملی گرایان؛

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۳) فرآیندها، نظیر مهاجرت و گسترش فناوری. (لای و لیتل، ۱۳۸۰: ٥٤ ـ ٥٧)

عصر جهانی شدن موجب گسترش دایره موضوع تهدیدات و همچنین کمرنگ شدن مرز میان تهدید خارج و داخل شده است و به عبارتی امروزه با تهدیدات بدون مرز رو به رو هستیم. تئوری های سنتی امنیت عمدتاً از خصلتی واقع گرایانه برخوردار بوده اند که با تکیه بر دولت به عنوان بازیگر اصلی و مهم ترین منشأ منازعه و خصومت، تهدیدات امنیتی را در ارتباط مستقیم با نزاع میان دولت تفسیر و تعبیر نموده اند. «شیء انگاری»[1] دولت در مطالعات سنتی امنیت موجب غفلت از طیف گسترده ای از تهدیدات و مخاطرات بین المللی شده است که حل و فصل آن ها مستلزم رشد فزایندهٔ وابستگی متقابل و ضرورت همکاری و «چند جانبه گرایی»[2] است (تریف، ۱۳۸۳: ١٦٤).

در مورد کمرنگ شدن مرز میان تهدید خارج و داخل باید بیان کرد که در مطالعات نوین امنیتی گفته می شود در شرایطی زندگی می کنیم که تهدیدات ملی مرتبط با امنیت صرفاً ناشی از وجود همسایگان متخاصم نمی باشد بلکه موضوعاتی مانند رکود اقتصادی، سرکوب سیاسی، کمبودها و نارسایی ها فرهنگی، تخریب محیط زیست تروریسم فرامرزی، جنایات سازمان یافته بین المللی، بلایای طبیعی، بیماری های جهانگیر و مشکلات بهداشتی به تهدیدات بیرونی گذشته، اضافه شده اند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ٢٤٨). مسئله ای که ذکر آن در اینجا ضروری به نظر می رسد این است که همان گونه که مردم در بسیاری از کشورها بیش از آنکه از سوی دولت های بیگانه و یا تهدیدات خارجی احساس خطر نمایند، از ناحیه سیاست ها و بی کفایتی های دولت خود احساس تهدید می نمایند. عکس این مطلب نیز می تواند درست باشد به این معنا که دولت ها نیز مانند گذشته الزاماً از ناحیه محیط خارجی تهدید نمی شوند بلکه مصادیق عینی متعددی وجود دارد که نشان می دهد امنیت دولت ها بیش از آنکه از سوی خارجی ها تهدید شود از سوی شهروندان آن کشور به چالش کشیده شده است. (همان) وجود مشکلات اقتصادی از جمله تورم و بیکاری، کمبود منابع طبیعی، توزیع نابرابر ثروت و به طور کلی وجود نابرابری اجتماعی در یک کشور می توان از جمله مصادیق تهدیدات امنیتی نوین باشد.

به طور خلاصه می توان گفت که تهدیدات در عصر جهانی شدن دولت ـ محور نبوده

1. Reification
2. Multilateralism

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

و دارای ویژگی های فراملی هستند و تمرکز بر تهدیدات نظامی در حال کمرنگ تر شدن است و به عبارتی تهدیدات، گسترده و چند جانبه شده اند، به گونه ای که مقابله با بسیاری از تهدیدات تنها با اتکا به توان داخلی و بدون همکاری میان کشورها و سازمان های متعدد و توجه صرف به امکانات نظامی امکان پذیر نیست.

۷- تاثیر تحول مفهوم قدرت و امنیت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محیط امنیتی هر کشوری به طور سنتی متشکل از دو جزء داخلی و خارجی است و به عبارتی در تعامل با تحولات داخلی و بین المللی قرار دارد. به همان اندازه که تغییرات نظام سیاسی حاکم بر یک کشور بر جهت گیری ها، اولویت ها و مسائل امنیتی آن موثرند، تحولات عرصه بین المللی و تغییر در ماهیت و چگونگی توزیع قدرت آن نیز تاثیرات غیر قابل انکاری بر امنیت اجزاء نظام (دولت–ملت ها، نهادهای غیر دولتی و غیر رسمی، شهروندان) می گذارد (درویشی،۱۳۸۸: ۲). در مباحث قبل اشاره کردیم که پایان جنگ سرد و تشدید امواج جهانی شدن موجب تغییر و تحولی اساسی در مفاهیم علوم سیاسی و روابط بین الملل از جمله قدرت، امنیت و تهدید شده است، در چارچوب چنین تحولی است که امروزه عناصر و ابزارهای نظامی، نقش تعیین کننده خود را در تأمین امنیت ملی کشورها تا حد زیادی از دست داده است و عوامل دیگری از جمله ویژگی ها و ظرفیت های فرهنگی، اقتصادی و به طور کلی تمامی توانایی های غیر نظامی یک کشور در جهت تأثیر گذاری بر سایر کشورها، در حفظ امنیت ملی سهیم گردیده اند. در یک تقسیم بندی کلی می توان سه گروه از کشورها را بر اساس روش ها و ابزارهای مورد استفاده در حفظ و تأمین امنیت ملی از یکدیگر متمایز کرد. دسته اول کشورهایی هستند که تمام تمرکزشان برای تأمین امنیت در جهت مقابله با تهدیدات خارجی از طریق ابزارها و روش های نظامی (قدرت سخت) است. و دسته دوم کشورهایی هستند که به راه های غیر نظامی (قدرت نرم) برای تأمین امنیت متوسل می شوند. در میان این دو دسته، کشورهایی قرار دارند که توانایی ترکیب و تلفیق قدرت سخت و نرم و استفاده از آن را به عنوان قدرت هوشمند دارا هستند.

در اینجا می توان تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران را به لحاظ مرجع و موضوع امنیت در شرایط کنونی در عصر جهانی شدن به سه دسته تقسیم نمود:

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۱- تهدیدات منطقه‌ای: محیط امنیتی ایران مانند سایر کشورهای در حال توسعه، در حال ورود به دوران کم‌نظیری است که مشخصه اصلی‌اش عدم امکان پیش‌بینی سمت و سوی آینده آن می‌باشد. در شرایط کنونی یکی از سطوح قابل توجه محیط امنیتی کشوری همچون ایران، که از موقعیت ژئوپولوتیک و ژئواکونومیک بسیار مهمی برخوردار می‌باشد، محیط منطقه‌ای آن است. محیط های منطقه ای به عنوان سیستم های تابعه از محیط نظام بین‌المللی تلقی می‌شوند. هرسیستم تابعه متشکل از سه بخش مرکز، پیرامون و قدرت های مداخله‌گر است (قاسمی،۱۳۷۹: ۱۱۵). جمهوری اسلامی در سه سیستم منطقه ای خاورمیانه، خلیج فارس و آسیای میانه و قفقاز (حوزه خزر) حضور و مشارکت دارد. شناخت ویژگی‌ها و روندهای حاکم بر این مناطق در عصر جهانی شدن، ضرورتی اجتناب ناپذیر برای سیاست‌گذاران امنیتی ایران می‌باشد. هر کدام از سیستم های منطقه ای بیان شده، ویژگی‌های خاص خود را دارند اما بیان این ویژگی ها خارج از بحث پژوهش حاضر است با این حال مهم‌ترین چالش های امنیتی ایران در این سیستم های منطقه ای را می توان در مواردی از جمله، وجود بحران در نظم سیاسی و امنیتی در کشورهای منطقه و ظهور دولتهای ورشکسته و ناتوان[1]، تداوم فعالیت گروه های تروریستی - تکفیری، افزایش تنش های نیابتی میان ایران و عربستان با تمرکز بر سوریه و یمن و تبدیل رقابت منطقه‌ای به بازی با حاصل‌جمع منفی، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای (آمریکا، ناتو و اروپا) در مناطق یادشده به ویژه خلیج فارس عنوان کرد.

۲- تهدیدات داخلی: همانطور که بیان کردیم تحول مفهوم امنیت باعث تفکیک امنیت دولت از امنیت افراد جامعه شده است به گونه ای که امروز امنیت انسانی به عنوان یکی ازمهم ترین موضوعات در حوزه مسائل امنیتی مطرح شده است. این مساله بویژه در شرایط کنونی که پس از برخی ناآرامی های داخلی در کشور، آمریکا با استفاده از ابزارهای مختلف بویژه تحریم های فلج کننده، درصدد کاهش سرمایه اجتماعی نظام و تلاش برای تغییر ماهوی نظام جمهوری اسلامی ایران و فروپاشی داخلی آن است، از اهمیت بیشتری برخوردار است. بر این اساس، عدم توجه به عواملی چون: خروج نخبگان از کشور، نابرابری های اجتماعی، کاهش قدرت خرید مردم، رکود، تورم، افزایش تعداد بیکاران به ویژه در میان قشر تحصیل کرده، عدم وجود امنیت شغلی، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش آمار طلاق، افزایش تعداد افراد

1. Failed States

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

معتاد به مواد مخدر والکل و ...می تواند به عنوان عوامل داخلی تهدید کننده امنیت ملی ایران مطرح باشد.

۳- تهدیدات بین المللی: منظور از این تهدیدات،وجود عوامل خطرزایی هستند که تمام کشورهای جهان اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه را در معرض تهدید قرار می دهد. برخی از این تهدیدات عبارتند از:

الف- تهدیدات زیست محیطی: با توجه به تحول رابطه «انسان و محیط» که به شدت متأثر از افزایش توانمندی های بشر و دانش انسانی می باشد، مخاطرات نوینی فراروی امنیت بشر قرار گرفته است. پدیده هایی همچون گازهای گلخانه ای، زباله های هسته ای و ... نمونه‌هایی در این زمینه هستند. . این مساله در مورد ایران بویژه با تمرکز بر بحران آب و فرسایش گسترده خاک در کشور بسیار حائز اهمیت است به گونه ای برخی، آنرا تهدید درجه یک امنیت ملی ایران در سال های آینده برشمرده اند.

ب- تهدیدات اقتصادی: به دلیل افزایش وابستگی های متقابل و در هم تنیدگی اقتصادی کشورها، بروز بحران اقتصادی در یک منطقه دور دست می تواند تهدیدات قابل ملاحظه‌ای برای کشورهای دیگر ایجاد می کند (عسگری، ۱۳۸۱: ۱۸٤-۱۸۵). در این زمینه نیز علی رغم توافق ایران و غرب در مورد برنامه هسته ای ایران، با توجه به اعمال مجدد تحریم های اقتصادی علیه ایران پس از خروج آمریکا از برجام و همراهی مصلحتی اروپا، روسیه و چین با تحریم های جدید، تهدیدات جدی ای را متوجه امنیت ملی کشور کرده است.

ج- تروریسم: وجود شبکه ها و گروه های تروریستی همچون القاعده و داعش از جمله تهدیدهایی هستند که تمام کشورهای جهان را مورد تهدید قرار می دهند. این مساله در مورد ایران، به دلیل محیط امنیتی ایران در همجواری با دولتهایی که منشا ظهور و گسترش این جریانات تروریستی - تکفیری بوده و در حال رقابت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک با ایران هستند، تشدید می شود. در این زمینه، تشدید فعالیت گروه های گریز از مرکز در میان اقلیت‌ها و حمایت های گسترده دولتهای غربی و همسایگان ایران و بویژه احساس محرومیت نسبی در میان برخی از استان های مرزی، بر اهمیت این تهدید می افزاید.

براین اساس، با توجه به مجموعه تهدیداتی که در عصر جهانی شدن سیاست، امنیت ملی ایران را تهدید می کنند، استراتژی امنیتی-دفاعی جمهوری اسلامی در چنین شرایطی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

باید بر پایه سه اصل اساسی و مکمل یکدیگر استوار باشد. پایه اول این استراتژی تاکید بر مؤلفه های سخت قدرت همچون افزایش توانمندی های نظامی و تسلیحاتی و به طور کلی افزایش توان دفاعی و بازدارندگی کشور بر اساس ابزارها و شیوه های نظامی است. اما پایه دوم استراتژی امنیتی مورد نظر که در عصر جهانی شدن بیشتر مورد توجه و استفاده کشورها قرار گرفته، پایه امنیتی نرم است که با مؤلفه هایی همچون افزایش توان اقتصادی، توسعه فناوری های اطلاعاتی، افزایش توان سایبری، توان تأثیرگذاری بر دیگران از طریق فرهنگ و دیپلماسی، افزایش سطح رفاه در داخل و مواردی از این دست شناخته می شود. تلاش برخی از کشورها در جهت همراه کردن سایر کشورها از طریق ایجاد جذابیت و در برخی از موارد استفاده از تحریم های اقتصادی نشان دهنده افزایش اهمیت قدرت نرم است. در نهایت پایه سوم، حضور و مشارکت فعالانه جمهوری اسلامی ایران در سازمان ها، نهادها و گروه های بین المللی و منطقه ای به منظور افزایش سطح همکاری ها در جهت کاهش هر چه بیشتر تهدیدات پیش رو است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۸- نتیجه‌گیری

در پرتو امواج جهانی شدن و توسعه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی و شبکه های رسانه ای و الکترونیکی، شاهد ظهور و بروز دوران نوینی در سیاست های جهانی هستیم که مهم ترین ویژگی های این دوران ظهور بازیگران غیر دولتی، افزایش ارتباطات و تعاملات بین المللی و تحول بسیاری از مفاهیم علوم سیاسی و روابط بین الملل از جمله قدرت، امنیت و تهدید است. قدرت ازجمله مفاهیمی است که از زمان های گذشته در میان اندیشمندان اهمیت و کاربرد فراوانی داشته است، با وجود این اهمیت طولانی، در مورد طبیعت، نقش و تعریف این مفهوم شاهد فقدان اجماع میان محققین هستیم. در سال های گذشته قدرت را بیشتر در شکل های اجباری و نظامی تحت تاثیر مکتب واقع گرایی مورد بررسی و مطالعه قرار می دادند. اما تحولات و دگرگونی های ناشی از جهانی شدن موجب مشخص شدن ضعف های این برداشت و توجه به دیگر ابعاد قدرت شد. مطرح شدن مفهومی چون قدرت نرم در این راستا قابل تبیین است. این مفهوم موجب رها شدن محققین از محدودیت هایی برداشت های واقع گرایانه و توجه به اشکال دیگر قدرت شد. با گذشت زمان مفهوم قدرت نرم نیز مورد انتقاد قرار گرفته و قدرت هوشمند به عنوان ترکیبی از قدرت سخت و نرم مطرح شد. به موازات تغییر و تحول قدرت شاهد تحول مفهوم امنیت و ماهیت و شکل تهدیدات نیز هستیم. در حوزه امنیت تحولات شگرفی در موضوع و مرجع امنیت رخ داده است به گونه ای که امروزه امنیت دولت از افراد جامعه متمایز شده و امنیت انسانی به عنوان یکی از مهم ترین ابعاد امنیت مطرح شده است.در زمینه تهدیدات نیز تغییر ماهیت آن ها از اشکال صرفاً نظامی و شکل گیری تهدیدات جهانی و بدون مرز از دیگر ویژگی های جهانی شدن است.

تحولات و دگرگونی های فوق تجدید نظر در استراتژی های امنیتی همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران را لازم و اجتناب ناپذیر کرده است. استفاده کشورها از راهبرد قدرت هوشمند در پیشبرد و پیگیری اهداف و منافع خود موجب کاهش هزینه های سنگین قدرت سخت و همچنین به حداقل رسیدن ضعف ها و محدودیت قدرت نرم می شود. بر این اساس فهم قدرت هوشمند و قابلیت کاربرد آن در سیاست خارجی از جمله الزامات عصر جهانی شدن است. در این میان، مهم ترین مسأله ای که در باید مورد توجه مسئولان امنیتی جمهوری اسلامی قرار گیرد این است که بسیاری از تهدیدات امروزی به صورت نرم و غیر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نظامی امنیت کشور را مورد آسیب قرار می دهند و در این راستا توجه به قدرت نرم کشور همراه و همگام با قدرت سخت از ضروریات استراتژی امنیتی کشور به حساب می آید، چرا که در عصر جهانی شدن تمرکز و توجه بیش اندازه بر قدرت نظامی و عدم توجه به سایر ابعاد قدرت تأمین کننده امنیت هیچ کشوری نخواهد بود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

منابع

- ابراهیمی ، نبی اله، (۱۳۹۳) بررسی مقایسهای مفهوم امنیت در مکاتب متأخر امنیتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۷، شماره ٤
- اطاعت، جواد و رضایی، (۱۳۹۰) مسعود، نظریه رئالیسم و ضرورت بازنگری در مفاهیم آن، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۲
- افتخاری، اصغر و نصیری، قدیر، (۱۳۸۳) روش و نظریه در امنیت پژوهشی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- التیامی نیا رضا و تقوایی نیا علی، (۱۳۹۵) تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و خارجی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره سه
- بوزان، باری، (۱۳۸۹) مردم؛ دولت ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم
- بوزان، باری و ویور، الی، (۱۳۸۸) مناطق و قدرت ها، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- تافلر، آلوین، (۱۳۷۰) تغییر ماهیت قدرت، ترجمه شاهرخ بهار و حسن نورایی بیدخت، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب
- تافلر، آلوین، (۱۳۷۵) جابه جایی در قدرت، ترجمه شهین دخت خوارزمی، جلد اول، تهران، انتشارات سیمرغ
- تریف، تری، (۱۳۸۳) مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- دال، رابرت، (۱۳۷٤) تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، نشر بینا
- درویشی، فرهاد، (۱۳۸۲) پیامدهای امنیتی جهانی شدن، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۲۲
- درویشی، فرهاد، (۱۳۸٤) محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قرن بیست و یکم، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ٤۲
- روزنا، جیمز، (۱۳۸۲) امنیت در جهان آشوب زده، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- رینولد، ترزا، (۱۳۸۹) قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا، ترجمه مجید رسولی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- سلیمانی، رضا، (۱۳۸۷) باز مفهوم سازی امنیت در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر استراتژی امنیتی جمهوری اسلامی ایران، مجله فرهنگ و اندیشه، شماره ۲٦ و ۲۷
- شارپ، جین، (۱۳۸۹) قدرت نرم و عدم خشونت، ترجمه سید رضا مرزانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- طباطبایی سید محمد و فتحی، محمد جواد (۱۳۹۳) تحوّل مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد بر اساس

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مکتب کپنهاک، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال ۵ ، شماره ۱٤
– عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸٦) بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ شانزدهم
– عاملی، سید سعید رضا، (۱۳۸۹) مطالعات انتقادی استعمار مجازی آمریکا، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر
– عسگری، محمود، (۱۳۸۱) مفهوم نوین امنیت در عصر جهانی شدن، مجله راهبرد، شماره ۲٤
– عطارزاده، مجتبی، (۱۳۷۷) تاثیر رویکرد جدید مفهوم امنیت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲
– عیوضی، محمد رحیم، (۱۳۸۲) تئوری های ساخت قدرت و رژیم پهلوی دوم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
– عیوضی، محمد رحیم، (۱۳۸۸) جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۲٦
– فتاحی حسین ، امام جمعه زاده سیدجواد و حسین هرسیج حسین (۱۳۹۷)، تجزیه و تحلیل الگوی قدرت نرم در خاورمیانه: مطالعه موردی عربستان سعودی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره اول
– فدوی بنده قرائی، (۱۳۹۰) احمد و گرامیان، سعیده السادات، تحول ماهیت قدرت نرم در دوره پسامدرن، مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش شماره ۳
– قاسمی، فرهاد، (۱۳۷۹) تاثیرات منطقه ای ساختار هژمونیک سیستم بین الملل بر امنیت ملی ایران، فصلنامه امنیت ملی، سال اول، شماره ۳
– قربانی شیخ نشین، ارسلان؛ کرمی، کامران و عباس زاده، هادی، (۱۳۹۰) قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ٤
– گالبرایت، جان کنت، (۱۳۷۱) آناتومی قدرت، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، انتشارات سروش
– لنون، الکساندر تی.جی، (۱۳۸۸) کاربرد قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)
– مک کین لای، آر.دی و لیتل، آر، (۱۳۸۰) امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
– نای، جوزف، (۱۳۹۳) آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر نی، چاپ دوم
– نای، جوزف، (۱۳۸۷) قدرت در عصر اطلاعات (از واقع گرایی تا جهانی شدن) ، ترجمه سعید میرترابی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
– نای، جوزف،(۱۳۸۷) قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سید فخر روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)
– واعظی، محمود و احدی، افسانه، (۱۳۸۹) دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

– وحیدی، موسی الرضا، (۱۳۸٤) فراتکنولوژی و تحول مفهوم قدرت در روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره ٤
– هورل، اندرو، (۱۳۸۰) امنیت و نابرابری، ترجمه علی صباغیان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
– یزدان فام، محمود، (۱۳۸۸) امنیت نرم و چرایی آن، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ٤٥
– یزدان فام، محمود، (۱۳۸۸) دولت های شکننده و امنیت انسانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ٤٦
- Baldwin, D. A. (2012). Power and International Relations, in Handbook of International Relations. Online Book.
Bilgin Pinar, (2015). One model of engagement between MES and IR: Inquiring into others' conceptions of "security" in International Relations Theory and a Changing Middle East, Middle East Political Science.
- Cowie, A.P, (1989). Oxford Advanced Learners Dictionary, UK, oxford university press,
- Gove, P.B, (1989). Webster Third New International Dictionary, Merriam Inc. publishers,
- Human Development Report, for the United Nations Development Programme, (1994). Oxford university press,
- McClory, J., (2011). The New Persuaders II. A 2011 Global Ranking of Soft Power. Institute for Government.
Raimzhanova Aigerim (2015). Power in IR: Hard, Soft, and Smart, Institute for Cultural Diplomacy and the University of Bucharest, December

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۳۰۵
محسنی، علی؛ جاودانی مقدم، مهدی؛ حاجی، محسن (۱۳۹۷)، «تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۸، ش۳، پاییز ۹۷، صص ۱۲٦-۹۹.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]